

مسئولیت حسابرس و کشف تقلب

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۴

کد مقاله: ۷۴۱۹۷

تحفه گل ایری^{۱*}، صفوره کرد^۲، رضا خاری^۳

چکیده

حسابرسی فرآیندی منظم و باقاعده (سیستماتیک) جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد درباره ادعاهای مدیریت در ارتباط با فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی، به‌منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها و اظهارات با معیارهای از پیش تعیین‌شده و گزارش نتایج به افراد ذینفع است. مهم‌ترین و بالارزش‌ترین خدمت در حرفه حسابرسی اظهارنظر مستقل درباره مطلوبیت صورت‌های مالی و گزارش نتایج به افراد ذینفع. در ارتباط با مسئولیت حسابرس لازم به ذکر است که عملیات حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی بایستی به‌گونه‌ای طراحی شود که از نبود تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی اطمینان معقول به دست آید. اگرچه حسابرسی می‌تواند عامل بازدارنده محسوب شود اما مسئولیت پیشگیری از تقلب و اشتباه به عهده حسابرس نیست و نمی‌تواند باشد. مسئولیت اصلی پیشگیری و کشف تقلب و اشتباه با مدیریت واحد مورد رسیدگی است. (استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰، بند ۱۰) و حسابرس مسئول برنامه‌ریزی و انجام حسابرسی برای کسب اطمینان معقول درباره عاری بودن صورت‌های مالی از اشتباه‌های مهمی است که موجب اشتباه یا تقلب می‌شوند.

واژگان کلیدی: صورت‌های مالی، تقلب، تقلب مدیران، مسئولیت حسابرسان در برابر تقلب

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

۱- مقدمه

گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی بازتاب نیازهای اطلاعاتی و انتظارات گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است که برای اتخاذ تصمیمات منطقی در زمینه‌های تخصیص بهینه منابع اقتصادی و ارزیابی عملکرد مدیریت و به‌عبارت‌دیگر، اعمال نظارت و کنترل‌های اقتصادی-اجتماعی، خواستار اطلاعات حسابداری هستند (بیانیه تئوری بنیادی حسابداری؛ ۱۹۶۴). به دلیل اینکه صورت‌های مالی صرفاً تحت نظر و مسئولیت مدیریت تهیه می‌شود، نمی‌تواند با بی‌طرفی و سطح اطمینان قابل قبول، نیازهای اطلاعاتی مختلف استفاده‌کنندگان را برآورد نماید. موضوع تقلب و به‌ویژه صورت‌های مالی متقلبانه از دیرباز تا کنون مورد توجه استفاده‌کنندگان و حساب‌برسان بوده است و به‌خصوص پس از بروز رسوایی‌های بزرگ مالی و حسابداری در داخل کشور از جمله اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی و تخلفات بزرگ مالی خارجی، همچون شرکت‌های ورلداکام^۱، انرون^۲، آدلفیا^۳، گلوبال کروسینگ^۴، تیکو^۵ و لمن برادرز^۶ که موجب نوسان در بازار سهام، سلب اعتماد عمومی و بروز زیان‌هایی جبران‌ناپذیر بر سرمایه‌گذاران گردید ضرورت رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت‌ها توسط حساب‌برسان برای کشف تقلب احتمالی در راستای حفاظت از منافع استفاده‌کنندگان بیش از پیش مشخص شد (فرقاندوست حقیقی و برورای، ۱۳۸۸، ص ۱۸). تقلب و رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر منجر به سقوط شرکت‌های بزرگ و کاهش یافتن اعتماد مردم به نگاه‌های اقتصادی و حرفه مخصوصاً حسابرسی گردید. لذا حرفه و قانون‌گذاران به مقابله با این نقایص با وضع قوانین و مقررات برخاستند. پس از بررسی‌های انجام شده توسط انجمن‌های حرفه‌ای مانند انجمن حسابداران خبره آمریکا (AICPA) و انجمن حسابداری آمریکا به این نتیجه رسیدند که تقلب امریست که همیشه می‌تواند وجود داشته باشد و هنگامی بروز آن کاهش می‌یابد که همه ارکان سازمان، علی‌الخصوص مدیریت در جهت مبارزه با این امر ضد اخلاقی حرکت نمایند. رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی مانند انرون و وردکام تنها نمونه‌هایی از رسوایی بزرگی است که بازار بزرگ سرمایه آمریکا را در آغاز هزاره سوم دچار نوسان کرد و حرفه حسابرسی را در اعتبار بخشی به صورت‌های مالی زیر سوال برد که نهایتاً به سلب اعتماد جامعه از حسابداران و حساب‌برسان انجامید. رسوایی‌های اخیر علاوه بر آسیبی که بر سرمایه‌گذاران، تامین‌کنندگان منابع مالی، حساب‌برسان و ... وارد نمود، موجب تحمیل هزینه‌های گزافی بر دوش اقتصاد خصوصاً در جامعه آمریکا شد که می‌توان آن‌ها را در رده‌های اول هزینه‌های یک کشور جستجو نمود. از دیدگاه مردم، حساب‌برسان مسئول کشف تقلب و فساد مالی می‌باشند که ادعایی بی‌اساس می‌باشد، زیرا تمام عوامل موجود در واحد تجاری می‌بایست در یک جهت حرکت نمایند و آن جهت، مبارزه با تقلب و اعمال تصمیمات ضد تقلب است. در پاسخ به این شک، اکثر شرکت‌ها و سازمانها برای جلوگیری و ممانعت از تقلب فعالیت‌های پیشگیرانه‌ای را اتخاذ نمودند تا از این طریق بتوانند اعتماد جامعه را جلب نمایند اما همچنان تقلب به عنوان طاعون سازمانها در سراسر جهان مطرح است.

۲- تقلب چیست؟

تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی. هرچند تقلبی یک مفهوم قانونی گسترده دارد اما آنچه به حساب‌برسان مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی می‌انجامد (استاندارد‌های حسابرسی، بخش ۲۴، ۱۳۸۴) انجمن بازرسان تقلب آمریکا، تعریفی فراگیر از تقلب را پذیرفته و می‌گوید: "تقلب در برگیرنده تمامی ابزار گوناگونی که ساخته انسان است و یک فرد با استفاده از آن مزیتی را نسبت به دیگری از طریق توصیه‌های دروغین یا کتمان حقیقت کسب می‌کند و شامل تمام رویدادهای ناگهانی، ترفندها، حيله‌گری‌ها یا مخفی‌کاری‌ها و دیگر راه‌های غیر منصفانه برای فریب دیگری است." (انجمن بازرسان آمریکا ۲۰۰۲).

۲-۱- طبقه‌بندی انواع تقلب

گزارشگری مالی متقلبانه به معنای تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی به عمد و به‌منظور فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که شامل موارد زیر است:

فریبکاری از قبیل سندسازی و دستکاری یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه تهیه صورت‌های مالی.

ارائه نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات بااهمیت در صورت‌های مالی.

بکارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارایه یا افشا به عمد.

1- A Statement of Basic Accounting Theory
2- worldcom
3- enron
4- Adelphia
5- Glocal crossing
6- Tyco
7- Lehman Brothers

سوء استفاده از دارایی ها که شامل سرقت دارایی های واحد مورد رسیدگی است و می تواند به راه های گوناگون انجام شود و اغلب به منظور پنهان کردن سرقت دارایی ها، یا سوابق یا مدارک ساختگی یا گمراه کننده همراه است و شامل اختلاس دریافت ها، سرقت دارایی های ثابت مشهود یا نامشهود یا پرداخت وجه نقد از بابت کالا و خدماتی که دریافت نشده است، می باشد (استانداردهای حسابرسی، بخش ۲۴، ۱۳۸۴).

۲-۲- دلایل ارتکاب تقلب

انگیزه / فشار: بسیاری از مشکلات و سختی ها در مواجهه با مشکلات مالی ایجاد می شود اگرچه مشکلات غیرمالی مانند لزوم گزارش نتایج نسبت به عملکرد واقعی، پیش بینی درآمدها، معروفیت یا طمع ورزی نیز می توانند به عنوان انگیزه ای برای ارتکاب تقلب مطرح باشند (وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۸)

توجیه / دلیل تراشی: افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می شوند قادر به توجیه عمل خود هستند و بعضی از این افراد دارای نگرش، ویژگی یا مجموعه ای از اصول اخلاقی هستند که به آنها اجازه می دهد تا آگاهانه و عمدا تخلفاتی را مرتکب شوند.

۲-۳- فرصت های به دست آمده به دلیل کنترل ضعیف

فرصت یافتن برای ارتکاب تقلب در صورت های مالی، شامل عواملی مانند هویت مدیره ضعیف، کنترل های داخلی ضعیف و ناکافی یا توانایی مدیریت برای زیر پا گذاشتن کنترل ها وابسته است (راموس، ۲۰۰۳) به استناد تئوری کارگزاری، مدیران ممکن است برای نشان دادن رو به رشد بودن شرکت و فرضیه منفعت شخصی اقدام به تقلب نمایند. این رفتار ممکن است تحت تاثیر این واقعیت باشد که سهامداران نمی توانند تمامی اعمال مدیران را مشاهده کنند؛ بنابراین رفتار تقلب آمیز مدیران به وسیله یک سیستم نظارتی اثربخش می تواند تحت تاثیر قرار گیرد و یک سیستم نظارتی غیر کارا انگیزه درگیر شدن در فعالیت های تقلب آمیز را برای مدیران فراهم می کند. همچنین شرایط خارجی نیز ممکن است در سازمان موجب رفتار تقلب آمیز گردد. (ساکسانا، ۱۹۹۷)

۲-۴- عوامل خطر تقلب

- مطابق تحقیق عبداللطیف (۲۰۱۳) عوامل خطر تقلب عبارتند از:
- اعضای مدیریت واحد مورد رسیدگی در نقض قوانین و یا اتهام به تقلب، سابقه دارند
 - مدیریت واحد مورد رسیدگی تحت نفوذ یک فرد و یا افراد محدودی است که قادر هستند کنترل های داخلی را نادیده بگیرند.
 - سیستم اطلاعاتی حسابداری و کنترل های داخلی ضعیف و غیر کارا می باشد.
 - مدیریت واحد مورد رسیدگی برای حسابرسی مستقل محدودیت ایجاد می کند و شواهد مورد نیاز حسابرسان را در اختیار قرار نمی دهد.
 - مدیریت واحد مورد رسیدگی دستیابی به اهداف، دشواری مربوط به سود، قیمت سهام و سهم از بازار اصرار دارد.
 - نظارت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به کنترل های داخلی و گزارش مالی واحد مورد رسیدگی ضعیف و ناکاراست.
 - معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و در برگیرنده رفتارهای حسابداری پیچیده و غیر واضح است.
 - پاداش مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی بستگی به دستیابی به یک سود عملیاتی دشوار و یا یک قیمت برای سهام دارد.
 - گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی شامل سطح بالایی از برآورد ها و قضاوت های شخصی است.
 - واحد مورد رسیدگی تعداد زیادی معامله مهم که مربوط به فعالیت تجاری عادی خود نیست، را داراست.
 - مدیریت واحد مورد رسیدگی توجهی به رعایت ارزشهای اخلاقی ندارد و اهمیت ارزشهای اخلاقی را به کارکنان گوش زد نمی کند.
 - معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و نیازمند عملیات حسابداری پیچیده و غیر واضح است.
 - واحد مورد رسیدگی با جریان های نقدی عملیاتی منفی بالقوه ای روبرو است که تداوم فعالیت آتی را تهدید می کند.
 - اعضای مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی مالک قسمت عمده ای از سهام شرکت می باشند.
 - واحد مورد رسیدگی با رقابت بالایی در بازار و کاهش از سهم بازار روبرو است.
 - واحد مورد رسیدگی برای رعایت الزامات بازارهای مالی که سهامش در آن پذیرفته شده است با مشکل مواجه است.
 - واحد مورد رسیدگی در مواجهه با شرایط قراردادهای بدهی مربوط به ارقام و نسبت های مالی با مشکل روبرو است.
 - مدیریت واحد مورد رسیدگی در اختلافات مربوط به گزارشگری مالی با حسابرسان مستقل همکاری نمی کند.
 - واحد مورد رسیدگی معاملات با ارزش و قابل توجهی با اشخاص وابسته دارد.

- واحد مورد رسیدگی در رسیدن به پیش بینی های منتشر شده خود در مورد سود، قیمت سهام و ارزش شرکت با مشکل روبروست.

۳- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) به مطالعه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده بورس پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که در شرکت های با سابقه مدیریت، احتمال ارتکاب تقلب در صورت های مالی وجود دارد. به علاوه نتایج بیانگر این مطلب است که در زمان وجود مدیریت سود در شرکتها، عوامل انگیزشی، سبب افزایش ارتکاب تقلب در صورت های مالی می گردند. اعتمادی و زلفی (۱۳۹۲) به بررسی کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج نشان می دهند که این مدل نقش اثربخشی در کشف تقلب صورت های مالی داشته و می تواند به سرمایه گذاران حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی و مقامات مالیاتی و نهادهای دولتی و سیستم بانکی کمک زیادی نماید.

لیستیک و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه ای به بررسی تقلب در حسابداری، حساسی و نقش جرایم دولتی در چین پرداختند. نتایج نشان می دهد که شرکت های حساسی شده توسط موسسات بزرگ با احتمال کمتری مرتکب تقلب در صورت های مالی می شوند. این اثر در صنایع تحت کنترل و تقلب های مرتبط با سود قوی تر است؛ و همچنین نتایج نشان می دهد شدت تقلب به استثنای شرکت های متقابل در سایر حوزه های قضایی با استفاده از اقدامات جایگزین تقلب، انتخاب حسابرسان توسط حسابداران و کنترل برای سایر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بیشتر هستند. نتایج نقش جرایم دولت در تضمین کیفیت حساسی و پیامدهای مهم عملی و کاربردی برای کمک به شرکت های حساسی بین المللی و کسب و کار به طور کلی موفقیت رقابت در چین را تایید می کند. عبدالطیف (۲۰۱۳) در تحقیق با عنوان تاثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل فرآیند حساسی به بررسی نحوه شناسایی خطر تقلب، اهمیت عوامل خطر تقلب و عکس العمل حسابرسان نسبت به وجود عوامل خطر تقلب و در پی آن تعدیل فرآیند حساسی، پرداخت و نتایج تحقیق آن حاکی از آن است که اهمیت تعدیل فرآیند حساسی بستگی به اهمیت عوامل خطر تقلب موجود دارد؛ و مهم ترین عوامل خطر تقلب مربوط به ویژگی های مدیریت و کم اهمیت ترین عوامل خطر تقلب مربوط به اشکال در صورت های مالی می باشد؛ و نتایج تجزیه و تحلیل عاملی، عوامل خطر تقلب را در چهار طبقه شامل تغییر در ماهیت، میزان، زمان بندی و تغییر در تیم حساسی، دسته بندی می کند. آسار و رایت (۲۰۰۴) دریافتند که حسابرسان از برنامه های حساسی استاندارد و چک لیست های استاندارد خطر که اثر بخشی پایینی دارند در طراحی برنامه ها برای برخورد با تقلب استفاده می کنند و آنها تمایل کمتری به مشورت با کارشناسان تقلب دارند.

سنجایی (۱۳۸۴) به شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت های مالی ایران پرداخت. وی این عوامل را در ساختار محیطی شرکتها شناسایی کرد. در این تحقیق عوامل خطر در ۴ گروه: عوامل خطر مرتبط با ویژگی ها و نفوذ مدیریت، عوامل خطر مرتبط با عدم تبعیت مدیریت از کنترلهای داخلی و استانداردهای لازم الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت و عوامل خطر مرتبط با ویژگی های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی، طبقه بندی و مورد استفاده قرار گرفتند.

انجمن حسابداران رسمی آمریکا در بیانیه (استاندارد) حساسی شماره ۹۹ (اکتبر ۲۰۰۲) با عنوان "ارزیابی تقلب در صورت های مالی" که جایگزین بیانیه شماره ۸۲ استانداردهای حساسی با همان عنوان شد، سه ویژگی را برای تقلب در نظر گرفت و اعتقاد دارد این سه عامل موجب بروز تقلب هستند که به "مثلث تقلب" معروف اند عبارتند از: مشوقها، فرصتها و نگرشها یا توجیه ها. در سال ۲۰۰۴ ولف و هرمانسون معتقدند که به مثلث تقلب می بایست ویژگی دیگری افزوده شود. آنها پس از افزودن (خصیصه قابلیت یا توانایی) آن را "الماس تقلب" نامیدند. بیانیه شماره ۹۹ استاندارد های حساسی افق جدیدی را در مورد الزامات حساسی گشود است. بطوری که حسابرسان با بکارگیری این بیانیه وارد عرصه وسیعی از روشهای حساسی برای کشف تقلب خواهند شد. استاندارد جدید در پی آن است ارزیابی تقلب توسط حسابرسان با فرآیند حساسی آمیخته شود و این ارزیابی تا پایان عملیات حساسی بطور مستمر مورد بازنگری قرار گیرد. براساس این استاندارد حسابرسان باید امکان وجود اشتباههای بااهمیت به واسطه تقلب را مدنظر قرار دهند. هدف تدوین کنندگان این استاندارد، افزایش آگاهی حسابرسان نسبت به کشف تقلب در طول رسیدگی هایشان می باشد. همچنین، انجمن حسابداران رسمی آمریکا مجموعه ای از استانداردهای مرتبط با ریسک حساسی را منتشر کرده است که هدف آن کمک به حسابرسان در ارزیابی ریسک است. دلیل گلزره، مدیر انجمن حسابداران رسمی آمریکا معتقد است که این استانداردها برای افزایش کارایی حسابرسان در تعیین ریسک ایجاد شده اند تا ریسک نبود کشف موارد بااهمیت و خلاف قاعده کاهش یابد. (AICPA, 2002). این استاندارد از حسابرسان می خواهد که کار خود را با تردید حرفه ای انجام داده و تفکر قبلی خود را مبنی بر درستکار بودن مدیران کنار بگذارد.

۴- تغییر دیدگاه حسابرسان به سمت کشف تقلب

تقلب هزینه بر است. براساس اظهارنظرهای انجمن بررسی تقلب، سالانه مبلغ زیادی به دلیل گزارشگری مالی متقلبانه و استفاده نادرست از دارایی ها از دست می رود. این هزینه ها و زیان ها باعث هدر رفتن بخشی از تولید ناخالص داخلی می شوند

(ACFE- 2010). افزون بر این تقلب اعتبار و جایگاه حرفه حسابرسی را خدشه دار می کند. زمانی که صورت‌های مالی حسابرسی شده به دلیل وجود تقلب دوباره ارائه شوند اعتماد عمومی نسبت به حسابرسی از بین می رود. با افزایش ناتوانی حسابرسان در کشف تقلب در طول حسابرسی، نگرانی سهامداران، اعتباردهندگان و تدوین کنندگان استانداردها بیشتر می شود. جوزف ولز (Wells, 2000) عضو انجمن بررسی تقلب عنوان میکند که: حسابرسان نه بیسوادند و نه نادان؛ ولی بسیاری از آنها نسبت به تقلب چشم بسته عمل می کنند.

در دفاع از حسابرسان باید گفت که آنها بازرسان تقلب نیستند. آنها آموزش دیده اند که چگونگی ارائه منصفانه و طبق اصول پذیرفته شده حسابداری بودن صورت‌های مالی را از تمام جنبه های بااهمیت ارزیابی کنند. کشف تقلب برخلاف حسابرسی صورت‌های مالی، نیازمند تدوین و اجرای مهارتها و روشهای منحصر بفردی است که براساس آنها بتوان مدارکی مبنی بر وجود تقلب را پیدا کرد. (Davia, 2000). این مهارتها شامل بررسی و تحلیل ثبت های حسابداری، جمع‌آوری و ارزیابی شواهد مربوط به صورت‌های مالی و مصاحبه با همه بخش های مرتبط با احتمال وجود تقلب است؛ بنابراین فقط آگاهی حسابرسان نسبت به امکان تقلب، برای کشف تقلب کافی نیست. مسئول بودن یا نبودن حسابرسان در ارتباط با کشف تقلب در طول زمان، تغییرهای زیادی داشته است؛ زیرا پیش از این هدف اصلی حسابرسی کشف تقلب بود ولی در حال حاضر قابلیت اعتماد صورت‌های مالی مد نظر است. حسابرسان از گذشته تاکنون، مسئولیت اصلی خود را نسبت به کشف تقلب در صورت‌های مالی حسابرسی شده نپذیرفته اند؛ و زمانی که استانداردهایی در این زمینه منتشر شد، حسابرسان افزایش مسئولیت خود و جستجوی بیشتر برای کشف تقلب را رد کردند. واضح است که حسابرسان دارای این نگرشند که برای کشف این موارد به طور کامل مجهز نیستند و نمی‌توانند نسبت به نبود تقلب در صورت‌های مالی اطمینان کامل فراهم کنند؛ هرچند با وقوع تقلب های گسترده در سطح شرکتها، اعتبار حرفه حسابرسی نیز مورد سوال قرار گرفت. برای سالها، انجمن بازرسان رسمی تقلب تنها درصد پائینی از موارد تقلب را که بوسیله حسابرسان مستقل کشف نشده اند، گزارش کرده است بنابراین حسابرسی مستقل اثربخش ترین روش برای کشف یا محدود کردن تقلب نیست. دیکسی (Dicksee, 1909) عنوان میکند که کشف تقلب بخش اصلی وظایف حسابرسان است و در این راستا بدون در نظر گرفتن سایر موارد، حسابرسانی که توانایی کشف تقلب را داشته باشند، نسبت به سایر حسابرسان برتری دارند و این بخشی است که مورد توجه صاحبکاران است. حرفه حسابرسی قبل از واقعه انرون (Enron) نیز با موارد مشابهی مانند مک کیسن و رایبیز (McKesson&Robbins) در سال ۱۹۳۸ مواجه شده بود. حسابرسان برای بهبود عملکرد حرفه و از طرفی محدود کردن تعهدهای بالقوه خودشان، اظهار داشتند که حسابرسان نباید نگران کشف تقلب باشند (Brown, 1962) آنها ابراز داشتند که انجام حسابرسی به صورت تفصیلی برای کشف تمامی موارد خلاف قاعده و بااهمیت، هزینه بر و زمان بر است. تغییر در تمرکز حرفه حسابرسی در رابطه با کشف تقلب، در بیانیه رویه های حسابرسی شماره ۱ منعکس شده است. این بیانیه ابراز می دارد که گزارش حسابرسان بیان کننده کشف تمامی موارد خلاف قاعده و تقلبها نیست؛ زیرا هدف اولیه حسابرسی کشف تقلب نیست؛ هرچند با انجام حسابرسی، برخی از این تقلبها کشف می‌شوند برای کشف تمامی موارد خلاف قاعده باید حسابرسی به صورت تفصیلی انجام پذیرد که با توجه به فزونی مخارج به منافع آن، به صرفه نیست. این بیانیه به طور اثربخشی تمرکز حسابرسان را نسبت به کشف تقلب تغییر داده است، اما درمقابل با تعیین ارائه منصفانه گزارشهای صاحبکاران مطابق با استانداردهای حسابداری، مرتبط است. پس از انتشار این بیانیه، فشار بر حسابرسان از جانب جامعه و بورس اوراق بهادار برای تعیین مسئولیت حسابرسان در ارتباط با کشف تقلب، افزایش یافت. با افزایش انتقادات از حرفه حسابرسی و فشار جامعه، انجمن حسابداران رسمی آمریکا بیانیه شماره ۳۰ را با عنوان مسئولیتها و وظایف حسابرسان مستقل در رابطه با بررسی صورت‌های مالی، منتشر کرد. گرچه این بیانیه عنوان می کند که حسابرسان باید از امکان وجود تقلب در طی حسابرسی آگاه باشند اما به صورت منفی بیان می کند که حسابرسان تعهدی برای کشف تقلب ندارند و یا این تعهد بسیار ضعیف است. (Scott&Frye, 1997. Albrecht&Willingham, 1993).

بعد از حادثه رایبیز انجمن حسابداران آمریکا، کمیسیون کوهن را برای بررسی مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب تشکیل داد. این کمیسیون عنوان کرد با وجود اینکه حسابرسان باید به طور بالقوه تقلب را مدنظر قرار دهند اما محدودیت های ذاتی حسابرسی مانع کشف کامل اشتباهات و موارد خلاف قاعده می شود؛ و اگر این تقلبها توسط مدیریت صورت گرفته باشد احتمال کشف آن کاهش می یابد. استاندارد حسابرسی شماره ۱۶ با عنوان مسئولیت حسابرس مستقل برای کشف اشتباه ها و موارد خلاف قاعده، نتیجه تحقیقهای این کمیسیون بود. بر اساس این استاندارد حسابرسان موظف به بررسی برای کشف تقلبهایی هستند که ممکن است اثر بااهمیتی بر صورت‌های مالی ارائه شده داشته باشند. هرچند این استاندارد نیز دستورالعمل کافی و جامعی را برای حسابرسان به منظور کشف تقلب فراهم نکرد. (Madison&Ross, 1990).

کمیسیون تردوی (Treadway) با بررسی موارد مرتبط با گزارشگری مالی متقلبانه ابراز داشت که حدود ۳۶ درصد از ناتوانی های حسابرسان در کشف تقلب، شامل مواردی است که در طول حسابرسی دارای علایم مختص به خود بوده اند. به عبارتی، اگر حسابرسان تلاش خود را بیشتر و این علایم را درک می کردند احتمال کشف تقلب افزایش می یافت. هئیت تدوین استاندارد های حسابداری براساس گزارش این کمیسیون، ۹ بیانیه را در ارتباط با حسابرسی ارائه کرد که هدف آنها افزایش احتمال کشف تقلب بود. (Glover&Aono, 1995). در اوایل دهه ۱۹۹۰ هئیت نظارت عمومی به این نتیجه رسید که که استاندارد های حسابرسی تاثیر ضعیفی بر نتیجه گیری و اظهار نظر حسابرسان دارند و از طرفی به محدود کردن تعهدهای قانونی علیه حسابرسان نیز کمکی نکرد.

پس از افشای تقلبات گسترده در بازار سرمایه جهانی به ویژه موضوع شرکتهای انرون، ورلدکام، آجیب، پارمالات، فولکس واگن و... کنگره امریکا کمیته خاصی را مامور این قضیه و یافتن راهکارهای مقابله با فساد و تقلب نمود. راهبری این کمیته بر عهده سناتور امریکائی به نام پل ساربینز و یک نفر نماینده کنگره امریکا بنام آقای میشل اکسلی تفویض شده بود. آنان با همکاری سازمان حسابرسی دولتی، انجمن حسابداران خبره امریکا و سازمان بورس امریکا لایحه ای را تنظیم کردند که بعدها به نام همین دو نفر به نام «قانون ساربینز اکسلی Sarbense-Oxely Act SOX» مشهور شد. استاندارد گذاران انتظار داشتند این قانون که شامل محکم ترین قوانین بعد از سال ۱۹۳۰ بود، در توقف و محدود کردن تقلب به حسابسان کمک کند.

جدول ۱- سیر زمانی اتفاقات و تغییرات در حسابرسی

رسوایی بزرگ دهه ۱۹۳۰	رسوایی های رایینز و مک کیسان
تغییرهای بعدی در حسابرسی ۱۹۶۰-۱۹۳۰	انتشار بیانیه رویه های حسابرسی شماره ۱ بسط رویه های حسابرسی انتشار بیانیه رویه های حسابرسی شماره ۳۰ مسئولیتها و وظایف حسابرس مستقل در رابطه با بررسی صورت های مالی
رسوایی بزرگ دهه ۱۹۷۰	رسوایی صندوق سرمایه گذاری
تغییرهای بعدی در حسابرسی ۱۹۹۰-۱۹۷۰	شکل گیری کمیسیون کوهن انتشار گزارش کمیسیون کوهن انتشار استاندارد شماره ۱۶ شکل گیری کمیسیون تردوی انتشار استاندارد حسابرسی شماره ۵۳ انتشار قانون اصلاحی دادخواهی خصوصی اوراق بهادار انتشار استاندارد حسابرسی شماره ۸۲ تشکیل جدول هئیت نظارت عمومی به منظور مرور جامع اثربخشی حسابرسی
رسوایی بزرگ دهه ۲۰۰۰	رسوایی انرون
تغییر های بعدی در حسابرسی ۲۰۰۰ تا کنون	تصویب قانون ساربینز اکسلی تشکیل هئیت نظارت حسابداری شرکتهای سهامی عام صدور استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ انجمن حسابداران رسمی امریکا مجموعه ای از استانداردهای حسابرسی مرتبط با ریسک را منتشر کرد. هئیت نظارت برحسابداری شرکتهای سهامی عام هشت استاندارد مربوط به ریسک حسابرسی (۸-۱۵) را اقتباس کرد.

موضوع کشف تقلب از اهمیت ویژه ای برخوردار است بطوری که بی توجهی به آن ممکن است از یک طرف صدمات جبران ناپذیری به حرفه حسابرسی وارد سازد و از طرف دیگر باعث سلب اعتماد عمومی و متضرر شدن سرمایه گذاران گردد و در نهایت در سطح کلان باعث ایجاد بحران اقتصادی در جامعه شود. ضمیمه بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران تقریباً ۶۰ بستر خطر تقلب را معرفی کرده است این بسترهای خطر تقلب می تواند حسابسان را در ارزیابی خطر تقلب یاری کند کشف تقلب با استفاده از روشهای معمولی حسابرسی؛ کار بسیار مشکلی است. (کودری، ۱۹۹۹) دلیل آن این است که نخست دانش کمی در ارتباط با ویژگی های تقلب مدیریت وجود دارد دوم اینکه بخشی از حسابسان فاقد تجربه مورد نیاز در کشف تحریفها به ویژه موارد تقلب هستند نهایت اینکه برخی مدیران عمدا سعی می کنند حسابسان را فریب دهند (الیوت و ویلینگهام، ۱۹۸۰) برای چنین مدیرانی که به محدودیتهای حسابرسی آگاه هستند؛ روشهای مرسوم حسابرسی ممکن است کافی نباشد این محدودیتها نیاز به روش های تحلیلی اضافی برای کشف موثر تقلب را تداعی می سازند. تقلب از طریق دو راهبرد در مقابل کشف شدن مقاومت می نماید: اول مخفی ماندن؛ تقلب بایستی پایین تر از آستانه اهمیت اتفاق بیافتد تا از اطلاق آن به عنوان اشتباه بااهمیت جلوگیری گردد. تا رسیدن به این حد امکان کشف تقلب کم می باشد

۵- راهکارهای جلوگیری و پیشگیری از تقلب

در بعضی از کشورها تجربه نشان داده است، در صورت عدم وجود نظام حقوقی تاثیرگذار و قوی حتی بهترین شیوه های جلوگیری و کشف تقلب، توانایی خود را برای پیشگیری از تقلب از دست خواهند داد. انجمن حسابداران خبره امریکا بیانیه ای به نام پیشگیری تقلب صادر کردند. انجمن در این بیانیه اظهار نمود که یک حسابدار مستقل به تنهایی نمیتواند از تقلب پیشگیری نماید. کمیته حسابرسی و هئیت مدیره، مدیریت، حسابسان داخلی، کارکنان از عواملی هستند که در جلوگیری از تقلب می توانند موثر باشند. حسابرس هنگام ارزیابی میزان اهمیت و مربوط بودن عوامل خطر تقلب و همچنین، تعیین برخورد مناسب حسابرسی با آن، از قضاوت حرفه ای استفاده می کند (کمیته تدوین استاندارد های حسابرسی ۱۳۸۵) بنابراین راهنمای خاصی که به کمک آن بتواند

خطر تقلب را ارزیابی کند وجود ندارد. طبق تعریفی که در فرهنگ اصطلاحات حسابرسی (نشریه ۱۳۸ سازمان حسابرسی) آمده است، چک لیست های راهنمای حسابرسی، چک لیست ها یا فرم های استاندارد هستند که حسابرسان را هنگام اتخاذ یک تصمیم یاری می رسانند و از مورد توجه قرار گرفتن کلیه اطلاعات یا تلفیق آنها اطمینان می دهد. تحقیقات بسیاری همانند تحقیق اینینگ و همکاران (۱۹۹۷)، چک لیستهای راهنمای حسابرسی را ابزار مفیدی برای کشف تقلب می دانند. در تعداد زیادی از کشورها نیز استفاده از چک لیست راهنمای کشف تقلب به منظور ارزیابی خطر تقلب مدیران توصیه شده است، اما متأسفانه در ایران نه تنها ارزیابی این خطر به طور مجزا توسط حسابرسان صورت نمی گیرد بلکه هیچ چک لیست راهنمایی نیز برای تخمین خطر تقلب وجود ندارد.

۶- مسئولیت حسابرسان در برابر تقلب

برخورد حسابرسان با تقلب موضوع جدیدی نیست و استاندارد های حسابرسی نیز به صراحت به آن اشاره کرده اند. براساس استاندارد حسابرسی شماره یک امریکا حسابرس باید به اطمینان معقولی مبنی بر عاری بودن صورت های مالی از تحریف با اهمیت ناشی از اشتباه و یا تقلب دست یابد. در مقدمه مجموعه نه (۹) استاندارد منتشر شده توسط هیئت استاندارد های حسابرسی امریکا نیز به این مورد اشاره کرده و اعلام می دارد که پس از گذشت چندین سال، سرانجام مسئولان مالی، موسسات بزرگ حسابداری و اعضا کنگره توجه خود را به کیفیت گزارشگری مالی و حسابرسان مستقل معطوف داشته و به همین خاطر، اعضا هیئت استاندارد های حسابرسی، برای پرداختن به خواسته مذکور و تغییر در انتظارات جامعه از نقش و مسئولیت های حسابرسان مستقل تعداد نه استاندارد را در چهار دسته تقسیم کرده اند که براساس اهمیت آنها اولین دسته با عنوان "مانعت از تقلب و اقدامات غیرقانونی" ارائه شد (خانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶)

نوسان مسئولیت حسابرسان در مورد کشف تقلب را می توان به پنج مرحله تقسیم کرد (ادهمی و خواجوی، ۱۳۹۰، ص ۳۴-۳۵)

پیش از سال ۱۹۲۰ کشف تقلب به عنوان هدف اولیه و اصلی حرفه حسابرسی شناخته می شد. این مطلب با بررسی متون حسابرسی آن زمان کاملاً آشکار می شود.

در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ رشد اقتصادی آمریکا امکان انتقال توسعه حسابرسی را از انگلستان به امریکا به وجود آورد. در سالهای احیای مجدد بعد از سقوط بورس وال استریت در سال ۱۹۲۹، سرمایه گذاری در واحدهای تجاری به سرعت گسترش یافت. وجود بازار های اوراق بهادار توسعه یافته و موسسات تضمین کننده اعتباری نیز این رشد را تضمین کرد. با بزرگ تر شدن ابعاد شرکتهای جدیدی مدیریت از مالکیت در این دوره سرعت یافت. بدین ترتیب حرفه حسابرسی رفته رفته اهمیت کمتری برای کشف تقلب قائل شد و اجماع عمومی نسبت به تغییر رویکرد حسابرسی از کشف تقلب به اعتبار بخشی صورت های مالی به وجود آمد.

در پایان سال ۱۹۶۰، حرفه حسابرسی وظیفه کشف تقلب را به طور کامل انکار کرد. این تغییر هدف حسابرسی به دلیل پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران جدیدی بود که دیدگاهشان نسبت به صورت های مالی تغییر کرده و بجای آن که صورت های مالی را به عنوان مدارکی منعکس کننده مباشرت مدیران نسبت به منابع و سرمایه خود به حساب آورند، آن را مستنداتی برای تصمیم گیری های اقتصادی خود می شناختند در نتیجه متممی توجهات بر روی منصفانه بودن صورت های مالی که وضعیت مالی و عملکرد شرکت را نشان میداد متمرکز شد. در واقع در پایان دهه ۱۹۶۰ کشف تقلب از مسئولیت های مفروض حسابرسان تلقی نمی شد و گفته می شد حسابرسان وظیفه جستجوی تقلب را ندارند و روش های حسابرسی به طور مشخص برای کشف تقلب قابل اتکا نیست. انکار مطلق مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب به کمک نشریات حرفه ای آن زمان به صراحت مطرح می شد. در سالهای بعد از ۱۹۸۰، انکار مسئولیت کشف تقلب توسط حرفه حسابرسی، بروز تقلب های عمده ای را به دنبال داشت که حسابرسان موفق به کشف آن ها نشده بودند. بعد از سال ۱۹۸۰ اولین انتقادات نسبت به این تغییر هدف حسابرسی بوجود آمد. نظریه پردازان معتقد بودند که حسابرسان تنها به دنبال حمایت از منافع حرفه حسابرسی هستند تا این که تعهدات عمومی خود را نسبت به جامعه دنبال کنند. آن ها معتقد بودند در طول ۴۰۰ سال، کشف تقلب، هدف حسابرسی بوده است و این تغییر هدف به دلیل تغییر در تقاضای مشتریان موسسات حسابرسی نیست، بلکه حرفه فقط به دنبال کاهش مسئولیت حسابرسان است در سایه نقدهای فراوان که بیش تر تحت تاثیر افزایش حجم و تعداد تقلبات در شرکتهای بود، روشن شد که به عهده نگرفتن مسئولیت کشف تقلب توسط حسابرسان دوام یافتنی نیست. بدین ترتیب در طرز تفکر صاحب نظران حرفه حسابرسی در مورد امر تقلب به تدریج تغییراتی به وجود آمد و ادبیات حرفه بدین شکل تعدیل شد که حسابرسی انجام شده باید به گونه ای انجام شود که از نبود تقلب با اهمیت در صورت های مالی، اطمینانی معقول به دست آید.

با وجود افزایش نسبی مسئولیت حسابرسان نسبت به دوره های قبل، با شروع قرن ۲۱، شرایط بحرانی تر شد. سقوط پی در پی شرکتهای بزرگ از جمله انرون (۲۰۰۱)، وردکام (۲۰۰۲)، سان بیوم (۲۰۰۳)، آدلفیا (۲۰۰۵) و... در این سال ها کیفیت حسابرسی ها را زیر سوال برده و بحران عدم اعتماد را برای حرفه حسابرسی به وجود آورد. بدین ترتیب بعد از سال ۲۰۰۰ حرفه حسابرسی با تهدید و چالشی جدی مواجه شد و نیاز بود که بار دیگر مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب تغییرات جدی نماید؛ اما یکی از

مهم ترین تحولاتی که پایه های آن از سال های قبل شروع شده بود و در ابتدای این دوران رسمیت یافت، پیدایش نوعی از حسابرسی به نام "حسابرسی تقلب" بود. به طور کلی از این دوران به بعد دیدگاه و عملکرد حرفه بار دیگر تغییر کرد و با شدت بیش تری به سمت افزایش مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب در حرکت است. هرچند این رویکرد به کندی پیش میرود و هنوز با دیدگاه قبل از سال ۱۹۲۰ که هدف اصلی حسابرسی را کشف تقلب می دانست فاصله داریم، اما هیچ شکی نیست که حرفه حسابرسی چنین رویکردی داشته و این امر برای حفظ اعتبار حرفه نزد جامعه الزامی است.

۷- نتیجه گیری

با توجه به مطالب یاد شده درباره تقلب و رسوایی مالی، حرفه و قانون گذاران سعی کردند در سالهای ابتدایی با این مسئله مقابله کنند و قوانین و مقررات وضع کنند که شاید این قبیل موارد تقلب به حداقل برسد، تصویب قانون ساربینز اکسلی یکی از این موارد بود. تقلب امری هست که همیشه هست، میتواند وجود داشته باشد و احتمال بروز آن هنگامی کاهش میابد که همه عوامل موجود در سازمان در مبارزه با این مورد ضداثرشی و ضد اخلاقی همسوسوند. مدیریت و سپس حسابرسان مستقل در این مبارزه نقش مهم و اساسی را دارند. شواهد تجربی بیانگر این است که درصد تقلبهای کشف شده در صورت های مالی توسط حسابرسان در سالهای اخیر کاهش یافته است. ناتوانی در کشف تقلب، بازتاب نبود تعهد های حسابرسی نیست؛ بلکه ناشی از عدم کفایت استاندارد های حسابرسی وضع شده است. هیچ استاندارد حسابرسی نمی تواند اطمینان کاملی را مبنی بر کشف تقلب ها به وسیله حسابرسان را فراهم آورد. برای بهبود توانایی کشف تقلب حسابرسان، لازم است که رویه های قانونی و متخصصان کشف تقلب در تمام فعالیت های حسابرسی با هم ادغام شوند. حسابرسان نسبت به پذیرش مسئولیت اضافی در رابطه با تقلب ناراضی هستند با این وجود حرفه حسابرسی خود را متعهد به بهبود روش های حسابرسی برای کشف تقلب و نیز افزایش کارایی می داند. آنچه که حایز اهمیت است در مبارزه با تقلب، مدیریت بهترین گزینه برای جلوگیری و پیشگیری از تقلب می باشد.

منابع

۱. مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب براساس بیانیه شماره ۹۹ استاندارد های حسابرسی امریکا - ترجمه قاسم بولو (M.Ramos)
۲. ماهنامه حسابرس شماره ۶۷
۳. الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در قبال پیشگیری از تقلب - دکتر علی اکبر عرب مازار، دکتر محمود صمدی لرگانی، محسن ایمنی
۴. حسابرسی صورت های مالی و نقش آن در کشف، پیشگیری از تقلب و فساد مالی - سمانه سلیمی
۵. تاثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل برنامه حسابرسی - محمود نجف لو، زنگی آبادی، غلامی
۶. بررسی سودمندی استفاده از چک لیست راهنمای کشف تقلب در ارزیابی خطر تقلب مدیریت - امید پورحیدری، بذرافشان
۷. کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت های مالی - حسین اعتمادی، لیلا عبدلی
۸. اهمیت بستر های خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل - امید پورحیدری، سعید بذرافشان